

# اهرمن در غزل عارف قزوینی

دکتر علی اصغر فیروزنیا

دبیر زبان و ادبیات فارسی و مدرس مراکز آموزش عالی بجنورد

## چکیده

«گاردن پارتی پارک امین الدوله» است، درباره بیت مورد نظر چنین نوشته است: «این گاردن پارتی بود که اولین بار نسبت به نایب‌السلطنه مملکت زبان درازی کرده، آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است گفت، روی مردم را به ناصرالملک باز، آغاز جسارت کند» (همان: ۹۲ و ۹۳).

قابل یادآوری است که گاردن پارتی (جشن در باغ همراه با کنسرت) از طرف فرقه دموکرات به افتخار فتح آزادی خواهان و مجاهدان مشروطه بعد از خلع محمدعلی شاه برپا شده بود. (همان: ۹۲).

با این صراحت که عارف درباره این بیت گفته و نام نایب‌السلطنه ناصرالملک را ذکر کرده است، دیگر جایی برای این شبهه نمی‌ماند که منظور وی را در این مورد محمدعلی شاه بدانیم.

ناصرالملک شهرت میرزا ابوالقاسم خان قراگزلوی همدانی، ملقب به نایب‌السلطنه، از رجال اواخر قاجاریه است که با مساعدت اعتدالیون به نیابت سلطنت ایران رسید (۱۳۲۸ هجری - قمری. معین، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۰۹۴).

ناصرالملک به کمک برخی مشروطه‌خواهان به نیابت سلطنت رسیده بود و نظر برخی انقلابیون مشروطه، از جمله عارف، نسبت به او در ابتدا مثبت بود ولی بعد منفی شد. معنای بیت هم همین نکته را تأیید می‌کند و بر آن تأکید دارد.

با مرور خاطرات عارف درمی‌یابیم که نظر این

در کتاب ادبیات فارسی (سال اول دبیرستان) آمده است که منظور عارف قزوینی از «اهرمن» در بیت پایانی غزل «نالۀ مرغ اسیر»، محمدعلی شاه قاجار است. نویسنده این مقاله با استناد به خاطرات عارف قزوینی، این نظر را مطرح کرده است که منظور شاعر از آن، نایب‌السلطنه (ناصرالملک) بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** عارف قزوینی، اهرمن، محمدعلی شاه، نایب‌السلطنه (ناصرالملک)

در درس هجدهم از ادبیات فارسی (۱)، غزل «نالۀ مرغ اسیر» از عارف قزوینی نقل شده که بیت آخر آن چنین است:

«آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم  
ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است»  
(ادبیات فارسی ۱، ۱۳۹۳: ۱۲۸)

در آغاز همان درس، این عبارات آمده است: «شعر زیر در قالب غزل نمونه‌ای از اشعار وطنی اوست که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه به‌خصوص در بیت آخر اشاره دارد» (همان).

روان‌شاد ایرج افشار در مقدمه‌ای که بر «خاطرات عارف قزوینی» (طبع شده به کوشش مهدی نورمحمدی) نوشته، چنین اظهار نظر کرده است: «یکی از اتفاقات ادبی تازه خوشایند، به دست آمدن نه دسته نوشته سرگذشت‌واره از عارف قزوینی است» (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ۳).

عارف در یکی از این خاطرات خود که مربوط به

با این صراحت  
که عارف درباره  
این بیت گفته و  
نام نایب السلطنه  
ناصرالملک  
را ذکر کرده  
است، دیگر  
جایی برای این  
شبهه‌نمی‌ماند  
که منظور وی  
را در این مورد  
محمدعلی شاه  
بدانیم



گرفتاری من فرموده بودند: در یک مملکتی که یک مطرب پدرسوخته هر چه دلش می‌خواهد می‌گوید، از من کار پیشرفت نمی‌کند» (نورمحمدی: ۹۵). «من در تمام دوره زندگانی خود دشمنان قوی پنجه و آهنین مشت از قبیل نایب‌السلطنه مملکت (ناصرالملک همدانی) یا رئیس‌الوزرای وقت یا از هر قبیل مردم دارای نفوذ و قدرت داشتم» (نورمحمدی: ۱۱۱) و نیز (همان: ۳۱۳). پس با عنایت به خاطرات عارف قزوینی باید منظور وی را از اهرمن در این غزل، نایب‌السلطنه ناصرالملک دانست نه محمد علی شاه قاجار.

شاعر مشروطه درباره ناصرالملک در اوایل توأم با خوش‌بینی بوده ولی بعد از مدتی، بسیار منفی شده است.

«از طرف نایب‌السلطنه به رئیس‌نظمیه مسیو بیرم [خان ارمنی] امر شده بود مرا بگیرند. از حرف‌هایی هم که شنیدنش مثل تیر زهرآلود و گلوله سربی در قلب من جای کرده و هنوز هم از سوزش تألم آن هنگام یادآوری آسوده نیستم، این است که این نایب‌السلطنه عالم و هم‌کلاس لردکرزن و این تربیت یافته در مهد تمدن دنیا، بزرگ شده با عادات و اخلاق اروپا، در موقع امر به

- منابع
۱. گروه مؤلفان: ادبیات فارسی، ج ۱، ۱۸، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۹۳.
  ۲. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ج ۸، تهران، ۱۳۷۱.
  ۳. نورمحمدی، مهدی؛ خاطرات عارف قزوینی، سخن، ج ۱، تهران، ۱۳۸۸.